

مقایسه تطبیقی جبران خسارت نیابتی در فقه و حقوق کامن لا

مجید آبخیز^۱

داود نصیران^۲

رضا عباسیان^۳

چکیده

در حقوق مسئولیت مدنی، نظامهای حقوقی حاکم بر جهان و عمدتاً سه نظام پیشرو اسلام، کامن لا و نوشته علاوه بر توجه به نظریه های متعدد مرسوم در مسئولیت اشخاص، توجه ویژه ای به جبران خسارت زیاندیدگان بیگناه داشته اند در این میان تئوری مسئولیت شخص ثالث ناشی از فعل غیر در در نظام حقوق اسلام در قالب مواردی مثل نهاد حقوقی غصب یا بیت المال و همچنین نظام عاقله و در نظام حقوقی نوشته مثل مورد مسئولیت مدنی کارفرما نسبت به خسارت وارده از سوی کارگر و نیز تئوری مسئولیت جبران خسارت نیابتی در نظام حقوقی کامن لا در قالب مسئولیت مدنی صاحب اتومبیل نسبت خسارات وارده از سوی راننده و یا صاحب مال نسبت به اعمال امین یکی از این موارد از توجه نظامهاست که مسئولیت جبران خسارت نیابتی ریشه در نظام کامن لا و مسئولیت ناشی از فعل غیر ریشه در نظام حقوق نوشته دارد که مبنای مسئولیت در نظام نوشته ناشی از انتساب تقصیر به شخص ثالث مسئول و در نظام کامن لا ناشی از فرض نیابت و قائم مقامی میباشد. هرچند در دهه های اخیر سیستمهای حقوق نوشته نیز بنوعی به عناصر مسئولیت نیابتی توجه داشته اند ولی با ملاحظه سیستم حقوقی اسلام شاهد بهرمندی از قواعد هر دو تئوری در نهادهای متعدد حقوقی میباشیم.

واژگان کلیدی: کامن لا، فقه، حقوق ایران، مسئولیت جبران خسارت نیابتی، مسئولیت ناشی از فعل غیر.

۱- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی. گروه حقوق. واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد ایران

۲- استادیار. گروه حقوق. واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد ایران (نویسنده مسئول).

۳- استادیار. گروه حقوق. واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد ایران.

مقدمه

در حقوق مسئولیت مدنی هرکس مسئول جبران زیانی است که زیان و ضرر زیان‌دیده منتسب به خود وی باشد و قرار نیست شخص ثالثی مسئول زیان منتسب به دیگری باشد، ولی موارد متعددی در نظامهای حقوقی، اشخاص ثالث مسئول پرداخت خسارت وارده بر زیان‌دیدگان بیگناه میگردند، شخص ثالث در مواردی میتواند خود دولت باشد که از باب توجه به ضرورت جبران خسارت زیان‌دیده و توزیع ضرر بین اکثر و ایجاد مشارکت جامعه در جبران ضرر جبران نشده صورت میگیرد و یا از سوی موسساتی مثل صندوق تامین خسارتهای بدنی مشمول ماده ۱۰ بیمه شخص ثالث اتومبیل در موارد پیش بینی شده در آن ماده و یا قانون مجازات اسلامی برای پرداخت مابه التفاوت دیه زن در حد دیه مرد میباشد و یا سرپرستان افراد صغیر و محجور در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، برای افزایش حس مسئولیت سرپرستان در سرپرستی و نظارت بهتر بر عملکرد آنان انجام میگیرد و یا در قالب تحمیل مسئولیت بر کارفرمایان در قبال زیانهای وارده ناشی از عملکرد کارگران بشرح ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی انجام میشود، بصورتی که اینک بجای کارفرما تئوری کلی مسئولیت متبوع در قبال ضرر و زیان وارده از سوی تابع مطرح گردیده است و نیز برخی مواقع خویشاوندان در قبال اعمال خویشاوند مسئولیت پیدا میکنند مثل نظام عاقله در حقوق اسلام، که مسئولیت پرداخت خسارت ناشی از فعل دیگری در موارد مذکور در نظام کامن لا و نظام ما تحت عنوان مسئولیت جبران خسارت نیابتی مطرح است، و تفاوت موارد مسئولیت ناشی از فعل دیگری در این دو نظام و نیز بررسی مبنایی آن دو مد نظر نگارنده خواهد بود.

الف - جبران خسارت نیابتی در نظام حقوقی کامن لا

یکی از موارد انتقال مسئولیت مدنی از طریق نیابت است که در حقوق کامن لا به عنوان مسئولیت نیابتی معروف شده است. به موجب آن استخدام کننده یا کارفرما به طور نیابتی برای هر تقصیری که مستخدم او در دوره استخدام مرتکب میگردد مسئولیت دارد. البته این مسئولیت شامل رابطه کارفرما و پیمانکاران مستقل نميگردد. (عباسلو، ۱۳۸۵، ۱۲۴)

در حقوق کامن لا جبران خسارت نیابتی تحت عنوان مسئولیت نیابتی^۴ مورد بحث واقع میشود. مسئولیت نیابتی نظریه ای حقوقی است که بموجب آن مسئولیت مربوط به متضرر را به عهده کسی قرار میدهد که خود سبب مصدومیت و زیان نگردیده است ولی یک رابطه حقوقی با فرد خاطی و مقصر دارد و بلحاظ همین ارتباط، مسئولیت مزبور ناشی از یک نوع قصور انتسابی^۵ فرض میشود. رابطه حقوقی منجر به قصور انتسابی شامل بین والدین و فرزندان، شوهر و زن، صاحب اتومبیل و راننده و کارفرما و کارگر میشود. بطوری که عموماً تقصیر مستقل یک شخص به شخص دیگر انتساب نمیباید.

دیگر در این ارتباط مربوط به انتساب تقصیر به دیگری، تحت عنوان دکترین مسئولیت کارفرما^۶ و دکترین مواظبت فامیلی^۷ است. دکترین مسئولیت کارفرما مبتنی بر رابطه استخدامی بین کارفرما و کارگر است که کارفرما را مسئول قصور و غفلت

۴ - Vicarious Liability

۵ - Imputed Negligence

۶ - Respondeat Superior Doctrine

مستخدم در رابطه با کسی میکند که کارفرما نسبت به آن تکالیفی را بعهده دارد که بمنظور اعمال مسئولیت کارفرما لازم میاید قصور مستخدم در ارتباط با انجام وظیفه استخدامی باشد .

مسئولیت کارفرما نسبت به قصور مستخدم از آن جهت است که مستخدم نماینده کارفرما فرض میشود ، بطوری که اگر عمل زیانباری از ناحیه مستخدم در ارتباط با وظیفه عمومی و یا استخدامی وی انجام شود کارفرما بابت جبران ضرر و زیان ، مسئول حادثه خواهد بود . برای مثال اگر راننده تانکر گازولین در ورود به ایستگاه گاز از خط قرمز عبور کند و منجر به تصادف با یک اتومبیل گردد . شرکت تحویل گازولین در قبال خسارت وارده ناشی از قصور راننده مسئول خواهد بود ، چون شرکت مزبور بطور اتوماتیک مسئول قصور راننده میباشد که تئوری مسئولیت کارفرما شکلی از مسئولیت بدون تقصیر است . (www.Legal- Dictionary .The freedictionary . Com) طوری که گفته شده است تئوری مسئولیت نیابتی بر اساس دکترین «مسئولیت را از آمر بخواهید»^۸ است و بر طبق این تئوری کارفرما بخاطر امر به فعل و ترک فعل کارگر مأمور مسئول است حتی اگر خطا یا تقصیر منتسب به کارفرما نباشد . (Choctaw.2008.55) مگر اینکه کارفرما ثابت کند از کارکنان خود و خود کارفرما قصوری رخ نداده است.(Kodlinye. 2003.104)

مورد دیگر از انتساب تقصیر ، انتساب مسئولیت به صاحب اتومبیلی است که راننده اتومبیل مرتکب تقصیر میشود ، این نوع از رابطه مبتنی بر دکترین اتومبیل فامیلی است و بر این اساس که صاحب خانه یک اتومبیلی برای کاربرد منزل تهیه میکند و استفاده کننده از اتومبیل بعنوان نماینده مالک اتومبیل فرض میشود و هنگامی که کودک اتومبیل را مورد استفاده قرار میدهد استفاده مزبور بنام والدین ثبت میشود و در راستای اهداف خانوادگی ، والدین مسئول اقدامات مقصرانه فرزند فرض میشوند . همانطور انتساب مسئولیت زمانی در اثر عاریه یک اتومبیل توسط صاحب اتومبیل به دوست اش محقق میگردد و در این صورت راننده بعنوان نماینده مالک اتومبیل فرض میگردد و اگر مالک اتومبیل در اثر تقصیر راننده مصدوم گردد و راننده را مورد تعقیب قرار دهد راننده ضمانت اجرای قانونی را از دست میدهد ، چون قصور راننده به خود مالک اتومبیل انتساب مییابد و خود مالک مقصر فرض میگردد که این فرضیه بعنوان انتساب تقصیر مشارکتی^۹ نامیده میشود .

اصطلاح مسئولیت نیابتی ظاهرا در نظام حقوقی کامن لا حاکم است که بدون تقصیر موجب مسئولیت شخصی در قبال عمل دیگری میگردد و بدون توجه به اینکه آیا شخص مسئول ، اقدامات احتیاطی معقول را بعمل آورده است یا خیر ! طوری که بعنوان یک عنصر اساسی در شبه جرم^{۱۰} محسوب میشود . تئوری مزبور نه تنها در سیستم کامن لا مثل کانادا ، استرالیا ، نیوزیلند و ایالات متحده آمریکا حاکم است بلکه در نظامهای مبتنی بر حقوق نوشته نیز حاکمیت دارد تا جاییکه گرچه قانون مدنی ۱۸۹۶ آلمان^{۱۱} مسئولیت بدون تقصیر را بعنوان یک اصل رد کرده است ولی در عمل رویه قضایی آلمان مسئولیت بدون تقصیر را مورد پذیرش قرار داده است و در قانون مدنی ۱۸۰۴ فرانسه در ارتباط با مسئولیت بدون تقصیر راجع به کارفرمایان

۷ - Family Care

۸ - Respond Suprior

۹ - Imputed Contributory Negligence

۱۰ - Tort

۱۱ - Civil Code Of 1896

در قبال اقدامات ناشی از شبه جرم مستخدمان و در سیستمهای حقوق غربی جایگاه خود را پیدا کرده است و مسئولیت نیابتی در کامن لا همان معنایی را میدهد که در ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه تحت عنوان مسئولیت بدون تقصیر وجود دارد.^{۱۲} در نظام حقوقی آلمان مسئولیت نیابتی تحت عنوان مسئولیت برای اعمال دیگران مطرح است که همان مسئولیت نیابتی رایج در نظام کامن لا است که موجب مسئولیت بدون تقصیر شخص برای اقدامات ناشی از شبه جرم و تخلف دیگری است (Giliker, 2010, xlii).

ب - جبران خسارت نیابتی در حقوق ایران

همانطور که گفته شد اصولاً مسئولیت متوجه شخصی است که مرتکب فعل یا ترک فعل زیانباری شده است. اما هر از گاهی شخصی مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیانبار دیگری را بر عهده دارد، چنانچه گفته شد این نوع مسئولیت و جبران خسارت مبتنی بر نیابت است که در نظام کامن لا تحت عنوان مسئولیت نیابتی مطرح است، در این نوع مسئولیت گویا شخصی به نیابت از دیگری برای او ایجاد مسئولیت میکند، حقوق کشور ما با این مفهوم از نهاد جبران خسارت آشنا نیست ولی مثل دیگر کشورهای حقوق نوشته نهاد مسئولیت ناشی از فعل دیگری متکفل بیان قواعد جبران خسارت از سوی شخص ثالث بجای دیگری است و نویسندگان ما چندان توجهی به تفاوت مبنایی جبران خسارت نیابتی بمفهوم مذکور در نظام کامن لا با کشور ما نداشته اند.

به اعتقاد نویسندگان غرب، وجود مسئولیت نیابتی در نظام کامن لا نافی وجود قاعده مزبور در نظام نوشته نیست، مسئولیت ناشی از فعل غیر که اثر انتقال مسئولیت به عهده کارفرما، سرپرست، والدین، متصدی حمل و نقل، دارنده اتومبیل است در نظام حقوقی نوشته نیز وجود دارد، و نظام حقوقی کامن لا و نوشته، یکی در قالب مسئولیت نیابتی و دیگری مسئولیت مطلق (ناشی از فعل غیر) نیازهای حقوقی را اجابت کرده اند.

مسئولیت نیابتی و یا ناشی از فعل غیر چه در حقوق ایران و چه نظامهای دیگر مطمئناً خلاف اصل است ولی در توجیه آن، میتوان گفت نه صرفاً ناشی از انتساب تقصیر به جبران کننده زیان بلکه میتواند ناشی از امکان کنترل عامل زیان و احساس مسئولیت کسی که امکان کنترل عامل زیان را دارد باشد، و یا ناشی از قدرت بالای جبران خسارت از طرف فرد جبران کننده، نماندن ضرر جبران نشده و توزیع خسارت و خطر بین اکثر و افراد مرتبط را عنوان نمود و در عین حال انتساب تقصیر به جبران کننده زیان مسئولیت نیابتی را اظهار داشت. چه اینکه در این زمینه عمدتاً سه وضعیت متصور است:

- ۱- شخصی به جهت وضعیت خاص دیگری مکلف به مراقبت از وی باشد که در صورت تقصیر مسئول پرداخت خسارت است. مثل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی.
- ۲- شخصی بر روی فعالیت دیگری دارای کنترل و نظارت است. مثل ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی.

۳- هنگامی که در یک قرارداد اجرای تعهدات متعهد قانونا یا حسب قرارداد بر عهده دیگری است. مثل ماده ۲۴ شرایط عمومی پیمان. (اسماعیلی هریسی، ۱۹۰، ۱۳۸۷)

ناگفته نماند در ایران مصادیق دیگری چون مسئولیت عاقله خویشاوندان، بیت المال و غیره وجود دارد که جبران خسارت از باب همبستگی اجتماعی و عدالت توزیعی است نه اقتداری که شخص بر شخصیت یا فعالیت دیگری دارد. (بادینی، ۵۲۹، ۱۳۸۴)

غصب یکی از موجبات مسئولیت نیابتی در حقوق ایران است که بموجب ماده ۳۱۸ قانون مدنی مالک میتواند به غاصب دیگری بغیر آنکسی که مال در ید او تلف شده است رجوع نماید طوری که مشارالیه نیز میتواند به کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع کند و یا به یکی از لاحقین خود رجوع کند تا منتهی به کسی شود که مال در ید او تلف شده است.

همانطور ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی یکی از موارد مسئولیت ناشی از فعل غیر را بیان میکند که طبق آن کارفرمایان مشمول قانون کار مسئول جبران خسارات کارکنان و یا کارگران خود در حین انجام کار یا بمناسبت آن میباشند طوری که در نظامهای حقوقی جدید مسئولیت ناشی از فعل غیر به مواردی چون مسئولیت کارفرما در قبال عمل کارگر محدود نگرده است بلکه در قالب گسترده تری تحت عنوان مسئولیت متبوع از عمل تابع مطرح گردیده است. (یزدانیان، ۶۳، ۱۳۹۱) چنانچه در ماده ۱۲ مذکور بیان شده، مسئولیت کارفرما مطلق نیست بلکه مسئولیت وی در قبال اشخاص ثالث نسبت به زیانهای وارده در صورتی تحقق میابد که هنگام کار یا به مناسبت انجام آن باشد. در چنین شرایطی زیاندریده میتواند بطور مستقیم و بدون اینکه نیازی به دخالت کارگر و مستخدم باشد به کارفرما رجوع کند، چرا که در قانون اشاره ای به لزوم اقامه دعوی بطرفیت کارگر نگردیده است و با تحقق مسئولیت قانونی کارفرما موجبات اقامه دعوی بطرفیت کارفرما نیز فراهم است. همانطور بموجب ماده ۳۸۶ قانون تجارت در صورت تلف یا مفقود شدن مال التجاره متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل البیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده است که یکی از آنها داده اند یا مربوط به حوادثی بوده است که هیچ متصدی مواظبی نمیتوانست از آن جلوگیری کند. که حمل بار عموماً بوسیله راننده ای که غیر از خود متصدی است انجام میشود و مسئولیت متصدی جز در قالب مسئولیت ناشی از فعل غیر و به نیابت از دیگری، نمیتواند قابل توجیه باشد.

در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر، قانونا یا بر حسب قرارداد بر عهده او میباشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر میباشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید بنحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد. چنانچه ملاحظه میشود قانونگذار احکام ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی را با ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی تلفیق کرده است و در صورت تقصیر سرپرست مجنون یا صغیر در نگاهداری یا مواظبت، بر اساس ماده یک قانون مسئولیت مدنی ضامن خسارات شده است و در صورت عدم تقصیر و یا عدم استطاعت مالی بر جبران خسارت بر اساس ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی و لحاظ تقصیر عرفی و انتساب ضرر

به صغیر و مجنون عمل خواهد شد. تفاوت عمده ماده مزبور با نظام کامن لا در این است که در سیستم کامن لا فرض قانونی بر تقصیر سرپرست شده است در حالیکه در حقوق ایران لازم به اثبات خواهد بود .

اتومبیل و هیاهوی رانندگی با آن و خطرات ناشی از حمل و نقل و خسارات اسفبار ناشی از آن بر کسی پوشیده نیست . اگر بدنبال فرد مقصر باشیم اغلب با راننده ای در مانده تر از خود زیان دیده رو برو خواهیم شد ، پس بدنبال چاره ای باید بود همانگونه که نظام حقوقی غرب بدنبال چاره است ، تا آنجا که ضرورت برآورد نیازها ، نظام کامن لا و نوشته را آنچنان به هم نزدیک نموده است که چندان تفاوتی در مقررات مربوط به اتومبیل دیده نمیشود . که توجه خاص قانونگذار ایران در قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسائط نقلیه موتوری ۱۳۴۷ نشان میدهد همگام با نظام صنعتی ، در صدد برقراری احکامی خاص بر استفاده از وسائط موتوری است ، برای همین در ماده ۱ آن قانون ، کلیه دارندگان وسائط نقلیه موتوری زمینی و انواع یدک و تریلر متصل به وسائط مزبور و قطارهای راه آهن اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مسئول جبران خسارات بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسائط نقلیه مزبور و یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد شود ، یعنی تقصیر راننده اتومبیل را مثل نظام حقوقی کامن لا منتسب به دارنده تلقی کرده و دارنده را بنیابت از راننده مسئول جبران خسارات نموده است . قانونگذار همینکه دارنده اتومبیل ، اتومبیل را در اختیار دیگری قرار میدهد وی را ملزم به قبول آثار ناگوار رانندگی میداند .

لاکن قانون بیمه ثالث جدید ۱۳۸۷ با عدول از آنچه در ماده یک بیمه ثالث ۱۳۴۷ گفته شد دارنده را صرفاً مکلف به بیمه ثالث نموده است و با لحاظ نسخ قانون بیمه ثالث ۱۳۴۷ در ماده ۳۰ قانون ۱۳۸۷ ، ضمانت اجرایی جز وصول مبلغی معادل حداکثر یک سال حق بیمه اجباری برای تخلف دارندگان وسایل نقلیه از بیمه ثالث پیش بینی نکرده است ! در حالیکه همان مصلحتی که در مواد ۷ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی موجب گردیده تا کارفرما جانشین کارگر و کارمند گردد در مورد اتومبیل نیز بنوعی وجود دارد مگر اینکه تصور شود قانونگذار بعثت افزایش میزان تعهدات صندوق تامین خسارات بدنی در مورد تصادف اتومبیل فاقد بیمه نامه ، خود را فارغ از نیاز به بقای مسئولیت دارنده نموده است که این نیز با فلسفه بیمه اجباری ثالث همخوانی ندارد چرا که همینگونه موارد باعث تسامح بسیاری از دارندگان در بیمه وسایل نقلیه میگردد و میزان ریسک تصادفات شرکتهای بیمه گر را افزایش و بیمه گران در راستای مدیریت ریسک و پرتفو مجبور به افزایش حق بیمه و در نهایت تحمیل به بیمه گذاران با حسن نیت میگردند.

پیشینی صندوق تامین خسارتهای بدنی در ماده ۱۰ قانون بیمه ثالث مصوب ۱۳۴۷ و ۱۳۸۷ یکی دیگر از موارد جبران خسارت ناشی از دیگری و بنیابت از دیگری است

جبران خسارت نیابتی در نظام حقوقی ایران منحصر به موارد مذکور نیست علاوه بر صندوق تامین خسارات بدنی ، و اخیراً صندوق حمایت از بزه دیدگان (مربوط به لایحه حمایت از بزه دیدگان) ، مواردی چون نهاد بیت المال ، ضمان جریره و عاقله نمونه های بارزی از توجه نظام قانونگذاری ما به جبران خسارت نیابتی و یا ناشی از فعل دیگری با مبناى فقهی است که راجع به هر کدام جداگانه بحث خواهد شد.

ج - جبران خسارت نیابتی در فقه

در فقه موارد متعددی مثل بیت المال، ضمان عاقله، جریره، دیگری در شب، جنایت معیث با اجرت، ضمان عبد، جنایت نائم، ضمان صبی، ضمان مجنون، حرکت در میدان تیر مستلزم وجود مسئولیت نیابتی است که سعی میشود به موارد شایع و در حد اختصار اشاره گردد.

۱ - جبران خسارت نیابتی غیر حکومتی

۱-۱ - ضمان عاقله

عاقله به معنی زن دانا و خردمند است مؤنث عاقل و عاقلات و عواقل جمع عاقله و نیز قوه عقل و همچنین عاقله یا عاقله الرجل به معنی کسانی از خویشان و نزدیکان قاتل غیر مکلف، به سبب سفاهت یا علت دیگر که خونبهای مقتول بر آنان سرشکن شود آمده است. (عمید، ۹۰۳، ۱۳۸۴)

ضمان عاقله یک سنت دیرینه و ریشه‌داری می‌باشد که قبل از شریعت اسلام وجود داشته است و گفته شده است شاید بتوان گفت نوعی بیمه به مصطلح امروزی است (منتظری نجف آبادی، ۱۴۲۹ ه. ق، ۵۲) و بطور اجمال مورد تأیید و امضای شرع قرار گرفته و حکم آن مورد اتفاق همه فقهای اسلامی است و بین شیعه و اهل سنت در این مسئله اختلافی نیست.

قطع نظر از بررسی سیر تاریخی عاقله و معنای لغوی و نیز تعیین افراد آن که مورد اختلاف بین فقها است، جا دارد به یک سؤال اساسی پاسخ داده شود و آن اینکه چگونه ضمانت پرداخت تاوان جنایت و خسارتی که کسی وارد نموده بر عهده دیگری یعنی عاقله او می‌باشد؟

اصولاً عاقله مربوط به زمانی است که جنایت وارده از سوی عامل زیان ناخودآگاهانه و ناشی از خطای محض بدون قصد فعل و بدون آنکه نتیجه حاصله مقصود وی باشد به مجنی علیه واقع گردد و درحالیکه هیچ خطای جزایی از او سر نزده است مرتکب قتل یا ضرب و جرح می‌گردد، مانند آنکه در حال رانندگی اتومبیل و غیر آن بدون قصد صدمه زدن به دیگری و بی آنکه مرتکب تعدی و تفریط شده باشد به طور کاملاً اتفاقی با دیگری برخورد نموده موجب صدمه یا تلف وی می‌گردد و همچنین هرگاه کسی اتفاقاً و بدون قصد به شخصی برخورد کند و موجب آسیب او شود. (صادق، ۱۹۹، ۱۳۷۶)

گفته شده است در نظام عاقله، مد نظر اساسی شارع جبران خسارت زیان‌دیده است ولی مبلغ آن چنان زیاد است که تحمل آن فقط بر یک نفر گاه وی را از هستی ساقط میکند، برای همین عاقله وی را در پرداخت آن یاری میکند (یزدانیان، ۱۳۹۰، ۱۴۴) حال اگر ضمان عاقله وجود نمیداشت مبلغ گزاف دیه را جز اغنیا کسی نمیتوانست بپردازد. در حالیکه با وجود این نهاد خسارت زیان‌دیده بدون جبران باقی نمی‌ماند. برای همین کمتر از موضعه به عهده خود جانی است.

سوالی که مطرح است اینکه آیا میتوان در کنار عاقله خود جانی را نیز مسئول جبران خسارت جانی دانست؟ و در صورتی که عاقله ای نبود یا توان پرداخت دیه را نداشته باشد با امتناع ایشان از پرداخت دیه، اخذ آن از آنها ممکن نباشد باید دیه را از خود جانی گرفت یا از بیت المال؟ بنظر برخی از فقها پرداخت دیه از بیت المال به عمل می‌آید. (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ۴۷۳) همانطور که در ماده ۳۲۲ ق م اسلامی سابق نیز همان آمده بود ولی برخی از فقها خود جانی را مسئول

دانسته اند و اگر جانی هم مالی نداشته باشد پرداخت دیه را از بیت المال میدانند (فخر المحققین، ۱۳۸۹، ۷۴۹). بطوری که ماده ۴۷۰ ق م اسلامی جدید در این مورد در صورت عدم وجود عاقله یا عدم تمکن مالی عاقله، پرداخت دیه را بعهده خود جانی و در صورت عدم تمکن بعهده بیت المال نهاده است.

برای پاسخ صحیح به موضوع لازم است بدانیم آیا حکم مسئولیت عاقله تکلیفی است یا وضعی؟ فایده تفکیک این دو مورد این است که اگر حکم مسئولیت عاقله تکلیفی باشد مسئول اصلی جبران خسارت خود جانی است و این بر ذمه وی استوار است. اما اگر حکم مزبور حکم وضعی باشد عاقله مسئول بوده و در صورتی که جانی عاقله ای نداشته باشد و یا معسر از پرداخت باشند دیه از بیت المال تأدیه خواهد شد. (شامیبانی، ۱۳۸۹، ۳۳۸) و اگر عاقله وضعاً مدیون جنایت جانی باشد باید مقداری از دیه را که بعهده اوست عندالتمکن بپردازد مانند سایر دیون که در ذمه اشخاص قرار میگیرد در حالی که در باب عاقله چنین چیزی وجود ندارد زیرا تنها مسئولیت تکلیفی در صورت عجز و عدم قدرت پرداخت ساقط میگردد. (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶، ۲۲۷)

اینکه عاقله چگونه عهده دار جنایت دیگری است گفته شده است بر اساس قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» می باشد چرا که هم چنانکه خویشان فرد در صورت فوت فرد از وی ارث میبرند لذا به منظور جبران خسارت لازم است به داد وی بشتابند و این نوعی حمایت متقابل و تقابل داد و ستد و به مصطلح روز بیمه معقول و مقبول است. علاوه بر اینکه به نحوی تعاون در نیکی و نوعی صله رحم و معاضدت خویشان است که عقلاً نیک و نقلاً مورد تأکید واقع شده است. (منتظری نجف آبادی، ۱۴۲۹ ه ق، ۵۲)؛ یعنی «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ» (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۲)

و برخی گفته اند ضمان عاقله ناشی از تقصیر ایشان است زیرا ایشان در تربیت جانی کوتاهی کرده اند و خطای جانی نتیجه تربیت غلط دیگر بستگان است. بنابر این مسئولیت عاقله ناشی از فعل شخصی خود است. (عوده، بی تا، ۶۷۵)

و از نظر برخی دیگر مبنای اولیه ضمان عاقله را باید در نوعی تعاون و همبازی اجتماعی جست و جو کرد بر این اساس افراد یک خانواده موظف به اعانه و یاری یکدیگرند. برای همین کسانی که نمیتوانند بار تکلیف را به دوش کشند مسئولیتی نیز ندارند. (کاشانی، ۱۴۰۹ ه ق، ۲۵۶)

همانا برخی دیگر از فقها معتقد به جنبه تبعیدی مسئولیت عاقله گردیده اند (حسینی منش، ۱۳۸۲، ۹۴) همچنان که در نظریه قریب به اتفاق مورخه ۱۳۷۶/۸/۲۸ محاکم آمده است عاقله نه متهم است و نه مجرم بلکه به حکم قانون ضامن پرداخت دیه ناشی از جنایت شخص دیگری است و نمی توان به عاقله تفهیم اتهام کرد یا در مورد او مبادرت به صدور قرار تأمین کیفری نمود. (بهرامی، ۱۳۷۸، ۱۶۳)

چنانچه میدانیم نهاد ضمان عاقله قبل از ظهور اسلام نیز وجود داشته است و یکی از مکارم اخلاق به حساب میامده است و پیامبر (ص) آنرا تأیید فرموده اند. (حصاص، ۱۴۱۷ ه ق - ۲۸۲) و تعداد ۱۰۰ شتر و اینها همه امضایی است و قبلاً "سه شتر تا هزار شتر بود، بعد زمان عبدالملک به ۱۰۰ شتر تعیین نمودند و عاقله چنان متعهد بودند که بدون گفتگو حیوانات را جلوی درب اولیای دم میاوردند (توجهی، ۱۳۹۲) که هر یک از اندیشمندان از جهتی مبادرت به استنباط مبنای ضمان عاقله نموده اند بطوری که هر کدام از نظرات از جهتی قابل ایراد بنظر میرسد. برای مثال: توجیه «من له الغنم فعلیه الغرم» چندان قوی نیست زیرا افراد دیگری غیر از خویشان ذکور ارث میبرند و اگر مبنای مسئولیت عوض سودی بود که به جهت ارث نصیب ایشان

میشد باید همه افراد قبیله جزء عاقله بحساب آیند و اگر دیه در مقابل ارث بود باید عاقله به نسبت سهم الارث مسئول باشند در حالی که طبق ماده ۴۶۸ قانون م اسلامی سهم عاقله مساوی است .

و یا توجیه ضمان عاقله بر مبنای تقصیر نیز بنظر قابل دفاع بنظر نمیرسد چون چگونه بستگان دور میتوانند در تربیت انسانی که از سر خطا خسارتی بار آورده است موثر باشند؟! و یک فعل زیانبار را که خطایی نیز بوده چگونه میتوان به نقص در تربیت منسوب ساخت؟!

و باز در مورد مبنای تعاون گفته شده است نمیتواند توجیه مناسبی برای مسئولیت عاقله باشد چون اگر مینا تعاون و همیاری است! باید در همه موارد قابل پذیرش باشد در حالیکه در مواردی مسئولیت عاقله منتفی است. (یزدانیان، ۱۴۵، ۱۳۹۰)

با لحاظ نظرات بالا از اینکه مبنای اولیه ضمان عاقله را باید در نوعی تعاون و همیاری اجتماعی جست و جو کرد تردیدی نیست بطوری که این تعاون در کوچکترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده و خویشاوندی عینیت مییابد. ولی میتوان مبنای ضمان عاقله را در عین حال با تئوری جمعی کردن مسئولیت آشتی داد و توجه ق گذار به ضرورت جبران خسارت زیان دیده با توزیع مسئولیت را مبنای ضمان عاقله دانست. (یزدانیان، ۱۳۹۰، ۱۴۰-۱۵۶)

۱-۲ - ضمان جریره

یکی از مواردی که قربانی جرم و زیان دیده در تحمّل آثار زیانبار جانی یاری می شود مربوط به نهاد ضمان جریره در اسلام است. ضمان جریره از جمله مواردی است که با تمسک بدان ذمه کس دیگر وثیقه ذمه فرد جانی است ولی نه بعد از جنایت و وقوع فعل زیانبار که قبل از وقوع فعل زیانبار. بدین صورت که در اسلام پیمانی است که در صورت عدم وجود وارث سببی و نسبی، کسی که ضامن دیه جنایت جانی شده است در صورت فوت وی ضامن از مضمون عه ارث خواهد برد. (قزوینی - قارپوزآبادی، ۱۴۱۴.ه.ق، ۳۹۱) و (امامی، ۱۰۰، ۱۳۶۶)

بطوری که کسانی که از بلاد خود به غربت افتاده و نسبت و وطن خود را فراموش کرده اند و در شهری که هستند خویش نسبی ندارند خواه به اسارت آمده باشند یا بنده بوده و در راه خدا آزاد شده باشند و آزادکننده ولای عتق بر آنها نداشته باشد یعنی سائبه باشند می توانند در شهری که هستند با مردی صاحب نسب و قبیله پیمان ببندند و خود را داخل قبیله آنها سازند و آن مرد صاحب قبیله ضامن جنایات خطایی آنها شود و ارث ببرد و آنچه در رجال و تاریخ معروف است هاشمی بالولاء مثلاً یا « مخزومی مولا هم » شامل ولای عتق و ضمان جریره می شود گویند ممکن است دو تن سائبه که هیچ یک نسب و قبیله معروف ندارند ضامن جریره یکدیگر شوند هرگاه میت خویش نسبی داشته باشد ارث به ضامن جریره نمی رسد و همچنین اگر مولای معتق داشته باشد ضامن جریره ارث نمی برد بلکه ضامن جریره برای او معقول نیست. (شعرانی، ۱۴۱۹.ه.ق، ۶۷۳) ضمان جریره در ق.م.اسلامی قبلی مورد شناسایی قانونگذار واقع شده بطوری که در تبصره ماده ۳۰۷ ق.م.ا می گوید: « و کسی که با عقد ضمان جریره دیه جنایت دیگری را به عهده گرفته است نیز عاقله محسوب می شود ».

همانا برخی از نویسندگان گفته اند ضمان جریره خیلی نزدیک به بیمه است اصولاً می توان گفت که ضمان جریره خود نوعی بیمه است یک نوع بیمه و قرارداد که اسلام هم آنرا امضاء کرده و آن اینکه دو نفر با یکدیگر عقدی برقرار می کنند که

اگر احیاناً من از روی اشتباه خسارتی بر کسی وارد کردم دیه آنرا تو بپردازی، حالا یا تمامش را یا نصفش را، و اگر تو نه از روی عمد بلکه از روی خطا انجام دادی و باید دیه بپردازی، آن خسارت تو را یا نصف آنرا من بپردازم این دیگر خیلی نزدیک به بیمه می‌شود. (مطهری، بی تا، ۳۸۳)

چنانچه ملاحظه می‌شود ضمانت قبل از وقوع فعل زیانبار است لیکن فعل زیانبار نه از روی عمد که از روی خطا است چون در صورت عمدی بودن فعل جانی، نظام اجتماعی و نظم عمومی در مخاطره خواهد بود و ق.م در ماده ۱۰ قراردادهای خصوصی را نسبت به کسانی که آنرا منعقد نموده‌اند در صورتی واجد اثر قانونی داشته است که مخالف صریح قانون نباشند و بموجب ماده ۹۷۵ همان قانون محکمه نمی‌تواند قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگری مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود را به موقع اجرا گذارد اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد!

و در بیمه مسئولیت نیز مسئولیتی مورد حمایت بیمه گر است که مسئولیت ناشی از اقدام عامدانه نباشد چون علاوه بر اینکه حمایت از اضرار عامدانه مخالف با نظم عمومی است و موجب از هم گسیختگی نظام اجتماعی و بحران امنیت جامعه می‌گردد امکان محاسبه ریسک و تعادل عوض و معوض در بیمه را از بین می‌برد. همچنانچه قراردادهای مخالف بانظم عمومی^{۱۳} در حقوق کشورهای خارجی نیز باطل است. (Martin Hunt, 2000, 171)

مثل قراردادهای منافی نهاد خانواده^{۱۴} - محدود کننده تجارت^{۱۵} - و قمار و شرطبندی^{۱۶}.

از فقها بسیارند که ضمان جریره را به بیمه تشبیه کرده‌اند همانا گفته‌اند بیمه حوادث بی‌شبهت به نوعی ضمان جریره نیست بنابراین نمی‌توان گفت که در دنیای امروز ضمان جریره وجود ندارد ولی بیمه گر ارث نمی‌برد چون در مقابل ضمان جریره عوض می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ق. ۴۴۸)

۲ - جبران خسارت نیابتی در بیت المال

با بررسی و ملاحظه مبانی فقه اسلام، جبران خسارات و ضرر و زیان وارده بر افراد از جهات و موارد متعدّد مدنظر شارع و دانشمندان علوم فقهت قرار گرفته است که با دقت نظر در موارد متعدّدی که مورد اظهار نظر واقع شده نشان می‌دهد محدود به مصادیق اقل نیست و جنبه عمومیت دارد به نحوی که منحصر به زمان و مکان خاصی نیست و با پیشرفت و تداوم و توسعه تکنولوژی و ابداعات و اختراعات و افزایش ریسک و خطرات، معانی گوناگونی که برای حدیث «لا ضرر و لا ضرار» داریم میتوان معتقد شد از منظر فقه، ضرر و زیان جبران نشده وجود ندارد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، ۵۹ - محقق داماد، ۱۳۷۳، ۴۲، ۴، شهابی، ۱۳۳۰)

قانونگذار همواره قسمتی از مخارج بیت المال را برای جبران ضرر و زیان وارده بر افراد قرار داده است که یا به علت عدم انتساب رابطه سببیت بین فعل و ضرر یا عدم شناسایی عامل ضرر و یا عدم دسترسی به خطاکار، عدم توانایی پرداخت از

۱۳- Public policy

۱۴- Institution of marriage

۱۵- Restraint of trade

۱۶- Gaming and wagering contract

سوی عامل خسارت و یا ضرورت اجرای قانون اهمّ و غیره است و بجز از طریق غیر عامل زیان و بیت المال راهی برای جبران نیست که در این قسمت علاوه بر بیان جایگاه و مبنای خسارت نیابتی در بیت المال مصادیقی از موارد که به علت کثرت آن مورد توجه فقها قرار گرفته، آورده می‌شود و بنظر به عنوان قاعده میتوان برای موارد نادر نیز تعمیم داد.

قاعده شخصی بودن مسئولیت ایجاب میکند هر شخص خود پاسخگویی نتیجه اعمال خود باشد لکن دیده میشود در مواردی در فقه و قانون مجازات اسلامی (بر گرفته از فقه) مسئولیت به عهده بیت المال یا امام مسلمانان است بطوری که هرگاه در فقه جبران خسارت به عهده امام مسلمین نهاده شده است بنظر بیت المال مسلمین منظور است زیرا چنین شخصیت و نهاد حقوقی در اختیار امام میباشد و امام از اموال بیت المال خسارت را جبران میکند نه از اموال خویش. (مکبی، ۳۵۵، ۱۳۶۷)

در نظام حقوقی مبتنی بر فقه برای جبران خسارت جبران نشده نهاد و شخص حقوقی بنام بیت المال پیش بینی گردیده است تا از تضییع حق زیان‌دیده ممانعت بعمل آید و موارد آن در فقه و قانون مجازات اسلامی آمده است.

با توجه به اهمیت مبنای مسئولیت بیت المال گفتنی است در این خصوص نظر یکسانی وجود ندارد، برخی گفته اند مبنای مسئولیت بیت المال جبران خسارت زیان‌دیده (مجنی علیه) است بطوری که در برخی روایات مقابله با تضییع حق زیان‌دیده فلسفه بیت المال است (کلینی، ۱۳۶۷، ۷، ۳۵۶) زیرا خون مسلمان محترم است و نباید هدر رود و بایستی خسارت ریخته شدن خون مسلمان جبران گردد (مصطفوی، ۱۴۱۷، ق، ۱۲۶).

و برخی دیگر قاعده «له الغنم فعلیه الغرم» را مبنای مسئولیت بیت المال گفته اند آنجا که برای شخص مجنی علیه وارثی وجود ندارد نهاد بیت المال جزو ورثه میباشد و در مورد جبران خسارت نیز باید چنین وظیفه ای را تحمل کند و در مورد دیه مقتول بلاوارث نیز دیه وی به بیت المال داده میشود و به همین سبب در مورد مرتکب قاتل نیز در مواردی بیت المال مسئول پرداخت میگردد و در عین حال بیت المال وارث مجنی علیه است و میتواند دیه را بجای مقتول از جانی بگیرد و تا آنجا گفته شده است که ولی امر مسلمین حق عفو ندارد زیرا عفو خسارت وارده بر جامعه را جبران نمیکند و به دیگر سخن عفو به مصلحت جامعه نیست (اردبیلی، محقق، ۱۴۰۴، ق، ۴۷۲)، که بموجب ماده ۳۵۶ ق مجازات اسلامی جدید اگر مجنی علیه دارای ولی نباشد یا ولی او شناخته نگردد یا بر او دسترسی نباشد ولی او مقام رهبری است و رئیس قوه قضاییه با استیذان از مقام رهبری اقدام خواهد کرد.

بعضی دیگر مبنای مسئولیت بیت المال را تقصیر عنوان کرده اند چرا که از تکالیف هر دولتی ایجاد نظم و امنیت است و هر دولتی باید جلوی تجاوز به تمامیت جسمی شهروندان را بگیرد و در صورت ارتکاب قتل نیز آثار این خسارات را جبران نماید و اگر نتوانست به تکالیف خود عمل کند باید خسارت زیان‌دیدگان را جبران نماید (کلینی، ج، ۳۵۵، ۱۳۶۷، ۷).

همانطور مبنای دیگر مصلحت اجتماعی است، برای مثال در مورد اشتباه قاضی که گاه در قضاوت رخ میدهد اگر خسارت از بیت المال نباشد هیچ کس تصدی این شغل را نخواهد پذیرفت (اردبیلی، محقق، ۱۴۰۴، ق، ۴۰).

آنچه گفتنش در اینجا ضروری مینماید این است که نهاد بیت المال مبتنی بر فقه، در زمان تاسیس یک نهاد ارزشمند و بسیار توسعه یافته ای بوده است، از آن جهت که عدول از نظام قاعده شخصی بودن مسئولیت نشانگر قدرت بالای اندیشه و تئوری حاکم بر این نهاد و مبتنی بر فقه بوده است، ولی با گذشت زمان بخصوص در دو قرن اخیر نشان میدهد بشر امروز دیگر سعی دارد جبران خسارت زیان‌دیده بیگناه را نه بعنوان یک استثناء که یک قاعده و اصلی کلی تلقی کند و در کشورهای توسعه یافته مواجه با انواع نهادها و صندوقهای تضمینی هستیم، برای مثال در فرانسه نهادی مثل صندوق تضمین ایجاد گردیده است که با جبران خسارت توسط صندوق، تضمینی برای زیان‌دیده ایجاد شده و زیان‌دیده با عدم جبران خسارت روبرو نمیکرد، منتها در فرانسه دایره و قلمرو این نهاد تا حدودی گسترده تر شده است (یزدانیان، ۱۵۵، ۱۳۹۰) حتی نقش صندوقها آنچنان وسیع گردیده که در مورد جرایم پولی و بدهی در دنیا صندوقهایی است و در صورت عدم پرداخت مدیون، صندوق بجای مدیون پرداخت میکند و سپس صندوق جانشین شخص طلبکار میگردد و آنقدر قوی است که با مدیون طرف حساب میگردد و علاوه بر اصل، سود آنرا نیز میگیرد و دیگر محلی برای زندان و اعمال مواردی چون ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب ۱۳۷۷ باقی نمیماند. (توجهی، ۱۳۹۲)

از بین مبانی مذکور صرفنظر از اینکه برای هر کدام میتوان ایرادی بیان کرد، آنچه اقوی بنظر میرسد این است که مبانی مسئولیت بیت المال را باید در ضرورت جبران خسارت زیان‌دیدگان بیگناه دانست، و جبران خسارتی جبران نشده مبتنی بر مشارکت کل جامعه در دادرسی به نفع زیان‌دیده تلقی نمود.

در اینجا بمنظور عدم اطاله کلام، موارد شایع جانشینی بیت المال بجای عامل زیان باختصار بیان میگردد:

۱-۲- جانشینی بیت المال در صورت قتل خطای محض

در سؤالی از آیت الله گلپایگانی پرسیده می‌شود شخصی موتورسوار با رفیقش سوار موتور میشوند، در سر چهارراهی با ماشین تصادف می‌کنند رفیق این شخص کشته می‌شود اگر عاقله نداشته باشد تکلیف چیست؟

در جواب آمده است با نداشتن عاقله احتیاط این است که اگر خودش مال دارد بر خود جانی است و اگر مال ندارد از بیت المال پرداخت می‌شود. (گلپایگانی، بی تاریخ، ۲۲۸) نظیر همان از فقیه دیگری آمده است. (منتظری نجف آبادی، بی تا، ۵۶۶)

۲-۲- جانشینی بیت المال در صورت عدم اثبات و عدم انتساب به شخص معین

از جمله مواردی که همواره بیت المال متکفل آن گردیده است جبران خسارت بر افرادی است که اثبات رابطه سببیت بین فعل احدی و خسارت وارده بر متضرر ممکن نیست، همچنانچه در بحث تامین اجتماعی حکومت در صدد است تا افرادی از جامعه در وضعیتی بدتر از دیگران قرار نگیرند و از آسیب‌پذیری افراد جلوگیری شود. فقها در موارد متعددی بر پرداخت دیه افرادی که به علت عدم اثبات وجود رابطه سببیت در معرض تضییع حق قرار گرفته‌اند نظر داده‌اند از محل بیت المال پرداخت شود. (موحدی لنگرانی، بی تا، ۴۷۵- مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷، ق، ۱۹)

به طوریکه گفته شده است دیه خواه در عوض و به جای قتل یا ضرب و جرح عمدی باشد که اولیای دم با مصالحه جانی به جای قصاص خواستار آن گردیده‌اند و خواه در قبال قتل یا ضرب و جرح شبه عمد یا خطا باشد در هر صورت جنبه مدنی دارد و خسارت است نه مجازات. (محقق داماد، ۱۳۷۹، ۱۶۸)

چرا که اگر از باب جنبه کیفری باشد مغایر با قاعده « وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى » (قرآن کریم، سوره ی انعام، آیه ۱۶۴) خواهد شد که بیانگر یک مفهوم عقلانی است و اشاره به این مطلب دارد که گذاشتن بار کسی بر دوش دیگری یک عمل زشت و قبیح است.

همانطور از جمله موارد دیگری که حسب مورد می‌توان گفت بیت المال مسئول پرداخت و جبران خسارات است. مورد وقوع حادثه و عدم انتساب حادثه به احدی خاص است مثل وقوع حادثه در مساجد، تکایا و محل‌های عمومی اعم از دولتی و غیر دولتی است از آن جهت که فردی مصدوم و متضرر و آسیب‌دیده عضو اجتماع است حق دارد از انواع تأمین اجتماعی بهره مند شود که یکی از موارد وقوع حادثه به شرح بالا است چنان چه در استفتایی از فقها مبنی بر اینکه اگر در اماکن عمومی غیردولتی مانند مساجد، تکایا، حرم امامزادگان و غیره حوادثی مانند آتش‌سوزی، فرو ریختن سقف و مواردی از این قبیل پیش‌آید و تعدادی مصدوم و معدوم شوند ضمان دیه آنها بر عهده کیست؟ در پاسخ آمده است :

« اگر حادثه به هیچ کس منتسب نباشد هیچ کس ضامن نیست ولی دیه مقتولین این قبیل حوادث باید از بیت المال پرداخت شود. (منتظری نجف آبادی، بی تا، ص. ۹۳- مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ۴۴۶) البته گفتنی است قید غیر دولتی در ردیف اماکن عمومی موضوعیتی ندارد و از جهت تأمین فرد آسیب‌دیده از بیت المال و خزانه عمومی تفاوتی ندارد اعم از اینکه حادثه در اماکن دولتی باشد یا غیر دولتی، چون بطریق اولی در محل عمومی دولتی بیت المال مسئولیت دارد .

۲-۳ - پرداخت از بیت المال در فرض عدم امکان جبران خسارت توسط مباشر

بسیار از موارد اتفاق می‌افتد اجرای برخی احکام منوط بر پرداخت وجوهی از سوی افرادی است که قانون حق اجرا را برای آن افراد مورد شناسایی قرار داده است بطوری که عدم اجرا و عدم امکان اجرا منجر به بروز ناعدالتی و امکان اجرا به علت عدم امکان و ملائت مالی فرد محق با مشکل مواجه می‌گردد. مثلاً در باب دیات آیا میتوانیم بگوییم برخی از احکام مربوط به سیاست کیفری خاص بوده که در عهد رسول الله (ص) تشریح شده و در عصر امروز دیگر قابلیت اجرا ندارد و لازم است با ملاحظات امروز به آنها نگاه کرد؟ مثلاً در قتل زن که دیه‌اش نصف دیه مرد است چنانچه کسی با ارتکاب بزه، زن را به قتل برساند حال به وراثت او می‌گویند چنانچه مایل به قصاص باشید باید نصف دیه را بپردازید تا قصاص صورت گیرد! آیا چنین حکمی عادلانه است؟

پاسخی که از سوی فقها داده شده اینکه شارع در دیه زن و مرد تفاوت قائل شده است اینها احکامی هستند که از نظر شرع وضع شده است در اینگونه موارد حق نداریم در مقابل آنها اجتهاد کنیم ولی باید راه‌حلی پیدا نمود نه اینکه حکم را بطور کلی کنار بزنیم این کار صحیحی نیست، این مشکل پرداخت نصف دیه را باید در قانون حل بکنیم، یعنی اگر اولیای دم که مایل به قصاص هستند به پرداخت دیه قادر نباشند باید ببینیم در این جا برای حل مسئله چه کار میتوان انجام داد! این فقط مشکل ما است و الا اینکه آنها باید نصف دیه را پرداخت کنند در اصل اشکالی ندارد. چون حکم خداست و افرادی که

میتوانند باید پردازند ولی اولیای دم که قادر به پرداخت دیه نباشند و مصلحت هم این باشد که قاتل کشته شود این مسئله را باید قانون حل کند؛ مثلاً مقرر بکنند که در این موارد از بیت المال پرداخت شود چون بیت المال از نظر اسلام معد مصالح مسلمانان است. چون در کشتن این قاتل مصلحت هست نصف دیه را از بیت المال می پردازند بعد از آن قصاص شود. (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷.ه.ق، ۵۱) ویا در مسئله مشابه می بینیم آمده است چنانچه شخصی مرتکب یک فقره قتل عمدی و دو فقره ایراد ضرب و جرح عمدی نسبت به دونفر گردد و اولیای دم مقتول، خواهان قصاص می باشند و قاتل مالی برای پرداخت دیه نسبت به دونفر مجنی علیهما (مورد ضرب و جرح) نداشته باشد آیا اجرای قصاص پیش از پرداخت دیه امکان پذیر است یا خیر؟ در صورت منفی بودن پاسخ پرداخت دیه چگونه میسر می باشد؟ در پاسخ آمده است ضرب و جرح عمدی اگر مورد قصاص است قصاص آن بر قصاص نفس مقدم می شود و اگر از موارد ثبوت دیه است هرچند از جهت توافق جانی و مضروب اگر محلی برای ادای دین او از ترکه اش دارد برای استیفای دیه استقراض کند و الا نوبت به بیت المال می رسد اگر بیت المال معد بر این جهت باشد والله العالم. (بهجت فومنی گیلانی، ۱۴۲۸.ه.ق، ۴۹۷)

۴-۲- پرداخت از بیت المال در صورت دفاع مشروع در قبال دیوانه

در یکی از استفتائات مسئله چنین است که اگر دیوانه ای به کسی حمله کند و از ترس جان خود، برای دفع حمله دیوانه، وی را مضروب کند که احياناً به مرگ دیوانه منجر شود آیا ضارب ضامن دیه اوست یا عاقله وی یا بیت المال؟ در پاسخ آمده است اگر ضارب از حدی که دفاع بر آن متوقف بوده تجاوز نکرده باشد دیه دیوانه نه بر ضارب است و نه بر عاقله وی و طبق حدیث معتبر دیه دیوانه از بیت المال پرداخت می شود ولی اگر از حد دفاع تجاوز کرده باشد دیه بر عهده شخص قاتل است. (منتظری نجف آبادی، بی تا، ۱۱۰) اینکه در صورت عدم تجاوز اقدام ضارب از حد دفاع مسئولیتی بر عهده ضارب نیست مبتنی بر قاعده دفاع مشروع است که ماده ۶۱ ق.م.ا آنرا تجویز نموده است. چرا که برخی از عوامل و اسباب، فعل زیانبار را توجیه نموده و مسئولیت را از عهده عامل آن برمی دارند و به آن صفت قانونی می دهند در قوانین و مقررات جزایی علل رافع مسئولیت عبارتند از دفاع مشروع، اعمال حق، حکم قانون، امر قانونی و اجازه قانون. (قاسمزاده، ۱۳۷۸، ۱۸۱۶_ کاتوزیان، ۱۳۷۱، ۴۲_ صفایی، ۱۳۵۱، ۵۵۶).

۵-۲- پرداخت از بیت المال در صورت قتل عمد و شبه عمدی شخص و مرگ یا فرار قاتل از دسترس

بموجب مواد ۴۳۵ و ۴۷۴ قانون مجازات اسلامی در صورت مرگ یا فرار و عدم دسترسی به قاتل پرداخت دیه مجنی علیه از اموال قاتل و در صورت عدم کفایت در قتل عمد توسط عاقله و در صورت نبود عاقله یا عدم توانایی آنان از محل بیت المال و در شبه عمد در صورت عدم کفایت اموال قاتل از محل بیت المال پرداخت خواهد شد. شکی نیست که باب دیات تماماً برگرفته از فقه است لیکن مبانی ماده فوق که بیت المال را مسئول جبران خسارت دیه تلقی می کند، روایتی است از ابی بصیر که می گوید :

« از امام صادق (ع) درباره مردی که مرد دیگر را عمداً کشته و سپس فرار کرده و از دسترس خارج شده است سؤال کردم حضرت پاسخ داد : اگر او مالی داشته باشد خون بهای مقتول از مال او پرداخت می شود و اگر مالی نداشته باشد خون بهای مقتول از خویشاوندان قاتل فراری بازپس گرفته می شود و در این مورد قاعده الاقرب فالاقرب رعایت می شود (یعنی از

نزدیکترین خویشاوندان شروع می‌شود) و اگر او خویشاوند نیز داشته‌باشد خون او را امام مسلمین (بیت المال) پرداخت می‌کند بدلیل اینکه خون شخص مسلمان نباید به هدر رود. « (منتظری نجف آبادی، ۱۴۰۹.ه.ق، ۲۱۲). ممکن است این پرسش مطرح شود آیا بیت المال بعد از پرداخت دیه یا خسارات مالی با دسترسی به مقصّر حادثه و یا جانی می‌تواند دیه یا خسارات مالی پرداختی را از وی مطالبه کند؟

در پاسخ به نظر می‌رسد باید بین جهات متعدّد تفکیک قائل شد. در بحث قبلی راجع به مسئولیت عاقله در خطای محض گفته شد مسئولیت تکلیفی است نه وضعی و بر عکس مسئولیت جانی مسئولیت وضعی است. در مورد امکان رجوع عاقله به جانی در خطای محض نظر مشهور عدم امکان مراجعه عاقله به جانی است و علت عدم رجوع را چنین بیان کرده‌اند: « ولادلیل علیه اصلاً » یعنی اگر پس از پرداخت دیه شک کنی که آیا جانی مدیون عاقله شده است یا خیر؟ مقتضای اصل برائت ذمه جانی این است که جانی مدیون نباشد. لیکن از شیخ مفید و سلّار نقل شده است که عاقله می‌تواند به جانی رجوع کند (مرعشی، ۱۳۷۶، ۲۲۵) که بنظر می‌رسد نظر شیخ مفید و سلّار موافق قاعده باشد چون اگر معتقد به مسئولیت وضعی جانی باشیم تکلیف پرداخت عاقله موجب سقوط ذمه جانی نمی‌گردد ولی با توجه به اینکه ماده ۳۱۲ ق.م.ا مسئولیت را به طور مطلق در حدودی که ذکر کردیم به عهده عاقله قرار داده است بنظر ماده مذکور مطابق با نظر مشهور فقها است و در خطای نفس امکان رجوع وجود ندارد. همچنانچه در خطای محض هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد دیه از بیت المال پرداخت خواهد شد. (ماده ۳۱۲ ق.م.ا) در موردی که عاقله نتواند در مدت سه سال بپردازد بنظر بعد از پرداخت بیت المال، امکان مراجعه به عاقله نباشد چون علاوه بر اینکه دلیلی بر امکان رجوع وجود ندارد بنابر تکلیفی بودن مسئولیت عاقله با انقضای مهلت عملاً تکلیف بر دوش بیت المال قرار می‌گیرد بنابراین نمی‌توان معتقد بود به اینکه بعد از سقوط تکلیف عاقله و پرداخت بیت المال و اعاده ملائت عاقله بتوان به عاقله رجوع کرد. در مورد قتل عمد مواد ۲۶۰ و ۳۱۳ ق.م.ا تکلیف را روشن کرده‌اند. نوبت به بیت المال زمانی است که پس از مرگ قاتل قصاص تبدیل به دیه می‌شود که باید از مال قاتل پرداخت شود و چنانچه مال نداشته باشد از اموال نزدیکترین خویشان او به نحو الاقرب فالاقرب پرداخت می‌شود و چنانچه نزدیکانی نداشته باشد یا آنها تمکّن نداشته باشند دیه از بیت المال پرداخت خواهد شد یعنی بیت المال به قائم مقامی قاتل پرداخت می‌کند.

۶-۲- پرداخت دیه از بیت المال در صورت اعسار راننده متخلف از پرداخت دیه^{۱۷}

در استفتایی از فقها آمده است چنانچه در قتل غیر عمدی ناشی از تصادفات رانندگی محکوم علیه پس از انقضای مهلت پرداخت دیه (دو سال) درخواست اعسار از پرداخت دیه تقدیم دادگاه نماید و پس از بررسی توسط محکمه اعسار وی ثابت گردد و چنین احراز گردد که نام برده قادر به پرداخت دیه در آتیه هم نخواهد بود و از طرفی اولیای دم متوفی چند نفر صغیر هستند که از نظر مالی در مضیقه هستند آیا می‌توان حکم بر پرداخت دیه از بیت المال کرد؟

در جواب آمده است باید دیه او را بیت المال بپردازد و مدرک آن روایاتی است که تصریح می‌کند « لایبطل دم امری مسلم » (مکارم شیرازی، ج ۲، ۱۴۲۷.ه.ق، ۵۷۸). همچنین در سؤالی دیگر آمده است اگر فرد محکوم به پرداخت دیه فوت

۱- لازم به ذکر است مربوط به زمانی بود که سقف تعهدات صندوق تامین خسارتهای جانی بسیار پایین بود و کفاف پرداخت دیه کامل را نمیکرد.

کند و ورثه او قادر به پرداخت دیه مذکور از ترکه وی نباشند آیا می‌توان آن را از بیت المال پرداخت کرد؟ در پاسخ آمده - است آری دیه را باید از بیت المال پرداخت نمود. (مکارم شیرازی، ج ۱۴۲۷، ۲، ه.ق. ۵۷۸) علت عدم مسئولیت وراثت به علت عدم توانایی پرداخت آنان نیست بلکه به علت عدم کفایت دارایی میت در ترکه است چون ترکه در واقع وثیقه طلب طلبکاران است. (جعفری لنگرودی، ۵۵، ۱۳۶۳).

۲-۷ - پرداخت از بیت المال در صورت خطای حاکم

در مواردی که وقوع جنایت یا ضرر و زیان مالی و معنوی ناشی از اعمال مشروع حاکمیت تشخیص می‌گردد. ضمان بر عهده جانی و عاملان ضرر ثابت نشده و دیه و خسارات مالی به عهده بیت المال خواهد بود لیکن این در صورتی است که عامل ضرر و زیان ودیه عامد در عمل نبوده و یا خود مرتکب تقصیر نگردیده باشد. مانند آنچه در اصل ۱۷۱ قانون اساسی آمده - است که گوید: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارت بوسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.»

همانطور در ماده ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی آمده است: «(هرگاه ماموری در اجرای وظایف قانونی، عملی را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود دیه آن فرد به عهده بیت المال است)» چرا که این حکم خطا بوده و دیه خطای حاکم باید از طریق بیت المال پرداخت گردد. (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹، ه.ق. ۵۷۷) البته همانطور که در قانون اساسی و مجازات اسلامی آمده است نباید تصور گردد فقط دیه قابل پرداخت است بلکه جبران زیان و خسارت وارد بر مسلمان از ناحیه اشتباه حاکم در حکم صادره، در صورت مقصر نبودن وی مانند آنکه به سبب حکم حاکم مالی از مسلمانی تلف شود یا عضوی از وی به جهت قصاص قطع گردد، در این موارد غرامت از بیت المال پرداخت می‌شود. (جمعی از پژوهشگران، زیر نظر هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ه.ق. ۱۵۷)

نتیجه گیری

مسئولیت نیابتی نهادی است که ریشه در نظام حقوقی کامن لا دارد و مبتنی بر مسئولیت جبران خسارت بدون تقصیر است بنحوی که بدون ضرورت اثبات تقصیر در فرد ثالثی، آن شخص مسئول جبران خسارت ناشی از عمل دیگری می‌گردد. مشابه نهاد مزبور که عبارت از مسئولیت ناشی از عمل دیگری است در نظامهای حقوقی نوشته نیز وجود داشته است، لیکن تفاوت دو نظام عبارت از فرض تقصیر در نظام کامن لا و ضرورت اثبات تقصیر در نظام حقوقی نوشته بود. ولی در نظام حقوق اسلام قواعد هر دو نهاد بنحو آشکار دیده میشود در مواردی چون نهاد عاقله، بیت المال که بدون ضرورت اثبات تقصیر فرد ثالث، آن شخص نسبت به پرداخت خسارت مسئولیت پیدا میکند و در مواردی دیگر چون نهاد حقوقی غضب، مسئولیت غاصب برای جبران تلف مال از آن جهت است که خود مسئول، مقصر قلمداد می‌گردد همانطور در مواردی چون مسئولیت سرپرست محجور و صغیر موضوع ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت سرپرست زمانی محقق می‌آید که تقصیر سرپرست اثبات گردد.

فهرست منابع

منابع فارسی و عربی

- ۱- عباسلو، بختیار. (۱۳۸۵). مسئولیت نیابتی در حوادث رانندگی، شماره ۳۰. فصلنامه دانش اجتماعی. صفحه ۱۲۲ تا ۱۳۰.
- ۲- اسماعیلی هریسی، ابراهیم. (۱۳۸۷) مبانی حقوق پیمان، تهران، جاودانه، چ چهارم
- ۳- امامی، سید حسن. (۱۳۶۶). حقوق مدنی، ج سوم. تهران: انتشارات الاسلامیه
- ۴- اردبیلی (محقق)، مجمع الفائده و البرهان، جامعه المدرسین، قم، ج ۱۲، ۱۴۰۴ ه ق
- ۵- بادینی، حسن. (۱۳۸۴) فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ اول
- ۶- بهرامی، بهرام. (۱۳۷۸). کتاب چهارم دیات، ج اول. تهران: بهنامی.
- ۷- بهجت فومنی، محمد تقی. (۱۴۲۸ ه.ق). استفتائات، ج ۴ چ اول. دفتر آیت اله بهجت
- ۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۶۳). دوره حقوق مدنی ارث. تهران: گنج دانش
- ۹- جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی. (۱۴۲۶ ه.ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲
- ۱۰- حسینی، محمد تقی. (۱۳۸۲). نظام تامین اجتماعی آلمان. تهران: مؤسسه کار و تامین اجتماعی اول. قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی
- ۱۱- حصاص، ابی بکر احمد بن علی الرازی، ۱۴۱۵ ه ق، احکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۲
- ۱۲- شامیبانی، هوشنگ، (۱۳۸۹) حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، جلد اول، تهران، انتشارات ژوبین
- ۱۳- شعرانی، ابوالحسن. (۱۴۱۹ ه.ق). تبصره المتعلمین فی احکام دین، چ پنجم. تهران: منشورات الاسلامیه
- ۱۴- شهابی، محمود. (۱۳۳۰). وضع الفاظ و قاعده لاضرر. تهران: دانشگاه تهران
- ۱۵- صادقی، محمد- (۱۳۷۶). جزای اختصاصی (۱) - جرایم علیه اشخاص، چ اول. تهران: نشر میزان
- ۱۶- صفایی، حسین. (۱۳۵۱). دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج دوم. تهران: نشریه موسسه عالی حسابداری هادی
- ۱۷- عمید، حسن. (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی عمید، چ سی ام. تهران: امیرکبیر
- ۱۸- عوده، عبدالقادر. (۱۴۱۹ ه.ق). التشریح الجنایی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، ج ۴. بیروت: مؤسسه الرساله
- ۱۹- فخر المحققین، ایضاح القواعد، ج ۴
- ۲۰- قاسم زاده، مرتضی. (۱۳۷۸). مبانی مسئولیت مدنی. تهران: نشر دادگستر
- ۲۱- قزوینی قاریوزآبادی، ملاعلی. (۱۴۱۴ ه.ق). صیغ العقود و ایقاعات. محل: نشر شکوری
- ۲۲- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۱). دوره مقدماتی حقوق مدنی - وقایع حقوقی، چ اول. تهران: نشر یلدا.
- ۲۳- کاشانی، ابوبکر ابن مسعود، بدایع الصنایع، پاکستان، مکتبه الحیبیه، ج ۷، ۱۴۰۹ ه ق
- ۲۴- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۳۶۷). الفروع من الکافی، ج ۷. تهران: نشر دارالکتب اسلامیه.
- ۲۵- گلپایگانی، سید محمدرضا. مجمع المسائل، ج ۳، چ دوم قم: دارالقران کریم.

- ۲۶- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۷۹). قواعد فقه (بخش جزایی). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۲۷- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۷۳). قواعد فقه، بخش مدنی چ ۴. تهران: نشر علوم اسلامی
- ۲۸- مرعشی شوشتری، محمدحسن. (۱۴۲۷.ه.ق). دیدگاه های نو در حقوق، ج ۲، چ ۲. تهران: نشر میزان
- ۲۹- مرعشی، محمد حسن. (۱۳۷۶). دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، چ دوم تهران: نشر میزان
- ۳۰- مصطفوی، سید کاظم، مئه قائده فقهیه، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۱۷ ه ق
- ۳۱- مطهری، مرتضی. (بی تا). فقه و حقوق، ج ۲۰ چ اول. قم: ناشر.
- ۳۲- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷). استفتائات جدید، ج ۲ چ دوم. قم: مدرسه امام علی ابن ابی الطالب (ع).
- ۳۳- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۹). استفتائات جدید، چ دوم. قم: مدرسه علی بن ابی الطالب.
- ۳۴- منتظری نجف آبادی، حسین علی. (بی تا). استفتائات مسئله ضمان، چ اول. قم: ناشر.
- ۳۵- منتظری نجف آبادی، حسین علی. (۱۴۰۹.ه.ق). دیات، ج ۴ چ اول. تهران: موسسه کیهان.
- ۳۶- موسوی، سید روح اله، (۱۳۷۳) تحریر الوسیله، دفتر انتشارات اسلامی، ج چهارم، قم
- ۳۷- موحدی کرمانی، محمدفاضل. (بی تا). جامع المسائل، ج ۲ چ ۱۱. تهران: ناشر
- ۳۸- موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۷۲). قواعد فقهیه. تهران: میعاد.
- ۳۹- یزدانیان، علیرضا. (۱۳۹۱) مسئولیت مدنی متبوع از عمل تابع، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۷ صفحه ۳۵-۶۸

منابع انگلیسی

- ۱- W.T (2008) . Avoiding Medical Malpractice . A Physician Guid To The .Choctaw Law. Springer.
- ۲- Giliker Paula .(2010) Vicarious Liability In tort ,. A Comparative Perspective , Cambridge University Press.
- ۳- Kodlinye . G. (2003) Common Wealth Caribbean Tort Law. 3ed . London: Cavendish Publishing Limited
- ۴- Martin Hunt. (2000). A level and as level law. London: sweet8 maxwell.